

جنگی که نمی‌خواستند اما درگیرش شدند



سجاد عطازاده مترجم

جونگیوان زو لیو، پژوهشگر ارشد شورای روابط خارجی آمریکا، در مقاله «چگونه چین خود را برای جنگ تجاری مسلح کرد؟» رویکرد پرخطر پکن در رویارویی اقتصادی با واشنگتن» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده، به طرح این گزاره پرداخته که وضعیت جنگ تجاری که بین پکن و واشنگتن حاکم شده است، بیش از همه ناشی از ادراکات دوطرف از توانایی‌های یکدیگر بوده و در نتیجه با بن بست‌ی روبه‌رویم که در ظاهر هیچ‌کدام از طرفین اسکان‌گریز از آن را ندارند. متن این مقاله را ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

چگونه دو اقتصاد بزرگ جهان به سمت جنگی تجاری کشیده شدند که هیچ‌کدام واقعاً خواهان آن نیستند و بقیه جهان نیز توان تحمل آن را ندارند؟ پس از مراسم «روز آزادی» که دونالد ترامپ در ۲ آوریل برگزار و طی آن تعرفه‌هایی با سطوح مختلف را علیه همه شرکای تجاری واشنگتن اعلام کرد، ایالات متحده و چین درگیر چندین دور از تشدید تلافی‌جویانه تعرفه‌ها بین دو کشور شده و تعرفه‌ها را به سطوح بسیار بالایی رسانده‌اند. تا ۱۱ آوریل، تعرفه‌های کالا‌های چینی ورودی به ایالات متحده به ۱۴۵ درصد و کالا‌های آمریکایی ورودی به چین به ۱۲۵ درصد رسیده بود. اگر دو کشور معافیت‌های گسترده‌ای برای خود ایجاد نکنند، ۷۰۰ میلیارد دلار تجارت دوجانبه سالانه بین آنها می‌تواند در طول دو سال آینده تا ۸۰ درصد کاهش یابد. بازارها به جنگ تجاری قریب‌الوقوع واکنش منفی نشان داده‌اند و بسیاری از اقتصاددانان و تحلیلگران برای توضیح آنچه دولت ترامپ در تلاش برای دستیابی به آن است، به تقلا افتاده‌اند. بهترین راه برای درک بن‌بست فعلی با چین، این است که آن را محصول فرضیات و گام‌های اشتباه از هر دو طرف بدانیم. در حلقه قدرت ترامپ، بازیگران و جناح‌های قدرتمند، تاب‌آوری اقتصاد چین را اشتباه ارزیابی و به‌اشتباه فرض کردند که شی جین‌پینگ، رهبر چین برای جلوگیری از واکنش شدید داخلی، برای رسیدن به توافق عجله خواهد کرد، در نتیجه، تندرهای ضد چین در واشنگتن توانستند پیش‌بینی کنند که پکن چقدر قاطعانه به تعرفه‌های ترامپ واکنش نشان خواهد داد.

در چین نیز کمبود دیپلماسی ماهرانه سبب شده این کشور در نشان دادن مخالفت، ماهرتر از شکل‌دادن به نتایج باشد. پکن توانسته به نگرانی‌های مشروع و بسیاری در ایالات متحده و فراتر از آن، مبنی بر اینکه افزایش مجدد صادرات کم‌هزینه چین با فرسایش بیشتر پایگاه‌های صنعتی سایر کشورها، شوک چینی دومی ایجاد خواهد کرد، پاسخ دهد. لفاظی‌های جنگ طلبانه – مانند اعلامیه ماه مارس سفارت چین در واشنگتن مبنی بر اینکه چین آماده جنگیدن تا آخرین نفس در جنگ تجاری یا هر نوع جنگ دیگری است – نیز تأثیر چندانی بر افکار عمومی بین‌المللی ندارد و کاملاً در انتقال تمایل دیرینه رهبری چین برای جلوگیری از درگیری خارجی ناکام است. دولت ترامپ اکنون در تلاش است با تغییر رویکرد خود از بازسازی کامل نظام اقتصادی جهانی به حمله‌ای هدفمندتر به اقتصاد چین، از وضعیت هرج‌ومرج اقتصادی جهانی – که بنا به بسیاری از نشانه‌ها، برای آن برنامه‌ریزی نکرده بود – نجات یابد. شی و بقیه رهبران چین هیچ توهمی ندارند که چین می‌تواند در جنگ تجاری با ایالات متحده پیروز شود اما آنها حاضرند ریسکی را بپذیرند که ممکن است ترامپ در آن شکست بخورد.

فرمول‌های نادرست

این دیدگاه که رهبری چین برای جلوگیری از درد و رنج اقتصادی که می‌تواند جامعه چین را بی‌ثبات کند و انحصار قدرت حزب کمونیست را تهدید کند، به‌شدت به دنبال مذاکره برای یک توافق تجاری بود، در میان تدرو‌های چین در ایالات متحده رایج است. این تحلیل تا حدودی دقیق است، اما بسیاری را به نتیجه‌گیری‌های نادرست سوق داده است. رشد اقتصادی چین امروز ضعیف‌تر از هر زمان دیگری در سه دهه گذشته است اما آن‌گونه که اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، بارها گفته است، در یک رکود شدید، اگر نگوییم بحران نیست. رشد اقتصادی این کشور از نرخ سالانه دورقمی دو دهه پیش به نرخ‌های تک‌رقمی بالا در دهه ۲۰۱۰ رسید و اکنون به نرخ‌های حدود پنج‌درصدی امروز رسیده است (آماری که البته با توجه به تمایل حزب کمونیست به اغراق از سوی بسیاری در حدود ۲ درصد ارزیابی می‌شود.)

اما کندشدن رشد چین به طور خودکار به ایالات متحده مزیت نمی‌دهد. اقتصادهای پیشرفته سال گذشته به طور متوسط ۱.۷ درصد رشد کردند و اقتصاد ایالات متحده با ۲.۸ درصد در صدر این گروه قرار داشته است. بااین حال، این شتاب در حال محوشدن است. شرکت خدمات مالی جی‌پی‌مورگان اکنون رشد ایالات متحده را در نیمه دوم سال ۲۰۲۱ منفی پیش‌بینی می‌کند، در حالی‌که رشد رسمی چین مطابق پیش‌بینی‌های همین مؤسسه به ۴.۶ درصد کاهش یافته است. در اوایل ماه مارس، هاوارد لوتیک، وزیر بازرگانی، به ان‌بی‌سی‌نیوز گفت: «دونالد ترامپ در حال آوردن رشد به آمریکا است. من هرگز احتمال وقوع رکود را نمی‌دهم. هیچ شانس‌ی برای رکود وجود ندارد.» چنین اغراقی در معنای ظاهری خود به دست بالاگرفتن دولت ترامپ و ایجاد این تصور دو او که تعرفه‌ها چین را به میز مذاکره می‌کشاند، کمک کرده است. اما این راهبرد نتیجه معکوس داده و احتمال‌داشتن مذاکرات مستقیمی را که در آن چین ممکن است مایل به ارائه امتیازات معنادار باشد، تا حد زیادی کاهش داده است. پکن ظرفیت بالایی برای تلافی و گشودگی تاکتیکی برای مذاکره نشان داده است؛ اما تمایلی به تسلیم‌شدن ندارد. به نظر می‌رسد دولت ترامپ معتقد است که می‌توان از طریق گفت‌وگوی شخصی مستقیم بین ترامپ و شی جین‌پینگ به یک توافق تجاری جامع دست یافت. اما شی جین‌پینگ در مورد توافقات مذاکره نمی‌کند؛ او با حفظ یک نوع سردی امپریالیستی، موافقت خود را با توافق‌های حاصل شده توسط دیگران ابراز می‌کند و فراتر از جنجال‌های روزمره حکمرانی قرار می‌گیرد. در مقابل، ترامپ از جلب‌توجه رسانه‌ها سر مایه می‌جاسوسی – را دستورالذی باید به‌طور آشکار و شفاهی متعلق به او باشد. او خود را به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد معرفی کرده است و شخصاً دستور کار تعرفه‌ها را پیش می‌برد. این عدم تزارن در سبک‌های رهبری، چالش لجستیکی جدی برای دیپلماسی ایجاد می‌کند. تصور اینکه ترامپ خویشتن‌داری لازم را برای جلوگیری از تبدیل این اختلاف به یک رقابت

شخصی بین دو رهبر بزرگ اعمال کند، دشوار است. بااین حال، همین تبدیل برای طرف چینی منفور است – و احتمالاً باعث می‌شود پکن به‌طورکلی از این موضوع کناره‌گیری کند. پکن فکر می‌کند بعید است دیدار بین شی و ترامپ سبب اخذ نتایج اساسی شود و آن را امتیازی برای واشنگتن با مزایای کم و ریسک قابل توجه برای خود می‌داند. حتی یک نشست بادقت طراحی شده نیز می‌تواند به وجهه شی و به تبع آن، جایگاه حزب آسیب برساند. مقامات چینی هنوز به‌وضوح به یاد دارند چگونه ترامپ تقریباً بلافاصله پس از سفری به پکن در سال ۲۰۱۷ که آنها آن را گرم و پر بار می‌دانستند، جنگ تجاری را آغاز کرد. علاوه بر این، پکن نمی‌خواهد ریسک بروز اتفاقی جنجالی مانند آنچه‌را که هنگام بازدید ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین از کاخ سفید در ماه فوریه رخ داد، بپذیرد.

بازی طولانی شی جین‌پینگ

عمر سیاسی شی جین‌پینگ با دو خط‌سیر متمایز شده: مقاومت در برابر زورگویی خارجی و تسلط بر کشمکش‌های قدرت داخلی. غرایز او در طول انقلاب فرهنگی، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، زمانی که خانواده‌اش از شکوه افتادند و او برای کار به مناطق روستایی شانشی فرستاده شد، شکل گرفت. پیام سیاسی اصلی شی جین‌پینگ – که در مفهوم چی – کو یا خوردن تلخی خلاصه می‌شود – از شهروندان چینی، به‌ویژه جوانان، می‌خواهد که سختی‌ها را در مسیر جوان‌سازی ملی تحمل کنند. اشاره او به مأموریت تاریخی حزب کمونیست چین برای غلبه بر صدسال تحقیر چین صرفاً یک شعار نیست، بلکه تقویت‌کننده مشروعیت او است. سیاست‌های تجاری تقابلی ترامپ، اگرچه برای تضعیف پکن طراحی شده است، اما به طور متناقضی روایت شی جین‌پینگ را تقویت کرده است. تهدید خارجی پوششی برای تغییر جهت اقتصادی مداوم حزب کمونیست چین فراهم و تلاش دولت برای خودتاکایی بیشتر را توجیه می‌کند. این سیاست‌ها همچنین به شی جین‌پینگ فرصت می‌دهد تا تصور ناشی از سیاست‌های اشتباه گذشته – به‌ویژه موضع اغلب تنبیهی دولتش در قبال شرکت‌های خصوصی – را از خود دور کند. این تغییر در بازگشت نمادین به نفع کارآفرینان میلیاردری که قبلاً با دولت اختلاف داشتند، مانند تاجر برجسته جک ما که پس از انتقاد از سیستم نظارتی مالی چین در سال ۲۰۲۰ تا حد زیادی از انتظار عمومی ناپدید شد، اما در ماه‌های اخیر از نظر سیاسی احیا شده است، مشهود است. حزب کمونیست انحصار قدرت را در نظام سیاسی چین در دست دارد و شی نیز از انحصاری تقریبی در درون خود حزب برخوردار است. این تمرکز قدرت بر رهبر چین اجازه می‌دهد تا تصمیم‌های سیاسی گسترده‌ای را بدون چالش اتخاذ کند – و به همان سرعت مسیر خود را تغییر دهد. حزب کمونیست در نتیجه کنترل حزب بر اطلاعات، به‌ویژه در مورد امور خارجی، هرگونه مواجهه با دولت ترامپ را می‌تواند در داخل کشور به‌عنوان ایستادگی قاطع شی در برابر قلدری خارجی تعبیر کند. واکنش چین به تعرفه‌های ایالات متحده بیشتر از این که خاطر حفظ آبرو باشد ناشی از اجزای یک راهبرد بلندمدت است. برخلاف متحدان ایالات متحده که بسیاری از آنها از تاکتیک‌های ترامپ غافلگیر شده‌اند، پکن سال‌ها صرف آماده‌سازی خود برای این رویارویی کرده است. از سال ۲۰۱۸، چین یک جنگ تجاری سطح پایین را پشت سر گذاشته و در مدیریت رقابت روبه‌رشد ایالات متحده و چین تجربه کسب کرده و یاد گرفته است که چگونه محدودیت‌های اقتصادی واشنگتن را دور بزند. در پاسخ، پکن مقامات محلی و شرکت‌های دولتی را به تقویت تاب‌آوری زنجیره تأمین و توسعه بازارهای خارج از کشور ترغیب کرده و برای کاهش هزینه به مشاغل کوچک و جلوگیری از بیکاری، اقدامات مالی و پولی هدفمندتری را برای حمایت از آنها در بحبوحه عدم قطعیت رونمایی کرده است. در آخرین گنگره ملی شی، در ماه مارس، رهبران چین بر افزایش تقاضای داخلی به‌عنوان کلید رشد آینده تأکید و سیاست‌های جدیدی را برای تقویت هزینه‌های مصرف‌کننده و بهبود محیط کسب‌وکار داخلی اتخاذ کردند. آنها همچنین استفاده بین‌المللی از سامانه‌های پرداخت مبتنی بر رنمینبی را برای کاهش فرارگفتن چین در معرض تحریم‌های مالی اجباری ایالات متحده ترویج کرده‌اند. هم‌زمان، چین مجموعه‌ای از قوانین جدید – به‌عنوان مثال، قانون ضد تحریم‌های خارجی، قانون کنترل صادرات و مقررات ضد جاسوسی – را وضع کرده که مبانی قانونی برای اقدامات تلافی‌جویانه ایجاد می‌کند و کسب‌وکارهای بین‌المللی را در تنگنای غیرممکنی قرار می‌دهد. شرکت‌ها می‌توانند یا از تحریم‌های ایالات متحده پیروی کنند و خطر نقض قوانین چین را بپذیرند یا برعکس.

در چپه دیپلماتیک نیز چین با تعمیق روابط منطقه‌ای، تلاش کرده

حمایت‌گرایی غرب را کند نماید. این کشور مذاکرات در مورد توافق تجارت آزاد با کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس را تسریع کرده است. در مورد اتحادیه اروپا، وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، جلسه ماه مارس با همتای فرانسوی خود، ژان نونل بارو، را سازنده توصیف کرد و چین و فرانسه در حال برنامه‌ریزی سه گفت‌وگوی سطح بالا در سال جاری هستند. در روزهای پیش از اعلام تعرفه‌های دولت ترامپ، وزرای چین، ژاپن و کره جنوبی پس از پنج سال وقفه، گفت‌وگوهای اقتصادی و تجاری خود را از سر گرفتند و توافق کردند یک توافق تجارت آزاد جامع‌تر بین سه کشور را بررسی کنند، در زمینه اصلاحات سازمان تجارت جهانی یا یکدیگر همکاری کنند و از پیوستن اعضای جدید در توافق تجارت آزاد منطقه‌ای خود، یعنی مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای، استقبال کنند.

اوایل این ماه، شی برای دومین بار در کمتر از دوسال از آسیای جنوب شرقی بازدید کرد تا روابط خود را با ویتنام و سایر همسایگان کلیدی که به مراکز حمل و نقل کالا‌های چینی تبدیل شده‌اند، تقویت کند. شکی نیست تعرفه‌های بالا دسترسی صادرکنندگان چینی به بازار ایالات متحده را کاهش می‌دهد، اما از دیدگاه شی، اقتصاد چین پیش از هر زمان دیگری در موقعیت بهتری برای تحمل این درد قرار دارد. در مقایسه با شوک ناشی از قرنطینه‌های کوید-۱۹، قطع تجارت با ایالات متحده یک اختلال قابل تحمل خواهد بود. این قرنطینه‌ها نشان داد حزب کمونیست چین تا چه حد می‌تواند بدون بی‌ثبات کردن کنترل اجتماعی – که دغدغه اصلی آن است – مردم خود را تحت‌فشار قرار دهد. مهم‌تر از آن، معیار شی برای تجدید حیات ملی، تولید ناخالص داخلی نیست؛ بلکه توسعه علمی و فناوریانه است. دستور کار سیاست اول آمریکای ترامپ، تنها استدلال شی برای نوآوری داخلی و خودتاکایی بیشتر را تقویت می‌کند. برخلاف دوران اول دولت ترامپ، چین اکنون، در صورت لزوم، آماده زوج‌زدایی از ایالات متحده است.

بدون شرط‌بندی قطعی

صرف‌نظر از نگرانی‌های توری کوتاه‌مدت، بزرگ‌ترین متغیری که امروزه زنجیره‌های تأمین جهانی را تغییر شکل می‌دهد این است که آیا هنوز می‌توان روی ایالات متحده به‌عنوان یک شرک اقتصادای پایدار و بلندمدت حساب کرد یا خیر. این تردید به وجود آمده در میان شرکای سنتی ایالات متحده، از نظر پکن نیز دور نمانده است، جایی که مقامات به‌سرعت از تغییر توجه بین‌المللی روی تمرکز قدرت شی و فاصله گرفتن او از دیدگاه اصلاحات و گشایش دنگ شیائو‌پینگ بهره برده‌اند. در اوایل ماه آوریل، روزنامه رسمی حزب کمونیست چین، روزنامه مردم، از سرمایه‌گذاران خارجی دعوت کرد تا «از قطعیت در چین برای محافظت در برابر عدم قطعیت در آمریکا استفاده کنند.» بااین حال، عدم قطعیت در مورد ثبات ایالات متحده، به طور خودکار چین را به یک جایگزین معتبرتر تبدیل نمی‌کند. پکن هنوز مشکلات اقتصادی ساختاری خود را حل نکرده است. هیچ تضمینی وجود ندارد که راهبرد خودتاکایی و نوآوری دولتی این کشور آتقدر سریع نتیجه دهد تا تا از رکود چین در دام در آمد متوسط جلوگیری کند. با افزایش موانع رشد داخلی و خارجی، پکن با محدودیت بودجه‌ای شدید ناشی از کمبود سرمایه روبه‌رو است؛ در حقیقت پول بیشتر برای فناوری به معنای پول کمتر برای خانوارهاست. اما کسانی که در دهه ۱۹۷۰ و پس از آن متولد شده‌اند، آینده‌ای را نه با مبارزه بیشتر، بلکه با رفاه پایدار تصور می‌کردند. نسل‌های جوان‌تر دلیل خوبی برای نگرانی دارند. آنها در چین با رفاه و فرصت‌های روبه‌افزایش به سن بلوغ رسیدند و کووید-۱۹ اولین بحران بزرگ ملی بود که بسیاری از آنها تابه‌حال تجربه کرده بودند. اکنون و درحالی‌که تنش‌های ایالات متحده و چین سبب شده دسترسی به آموزش جهانی و پیشرفت حرفه‌ای به خطر انداخته شود، امنیت اقتصادی این قشر نیز در حال فرسایش است. در چین و ایالات متحده، سیاست‌گذاری تحت سلطه نخبگان سیاسی مسن است و در هر دو کشور، نسل‌های جوان‌تر به طور فزاینده‌ای آگاهند که صاحبان قدرت مایلند آینده آن‌ها را در گرو خود بگیرند. در درازمدت، خوردن تلخی برای چین ممکن است دیگر الهام‌بخش جامعه‌ای نباشد که با انتظار شیرینی بزرگ شده است.

داروی تلخ ترامپ

رویکرد اول آمریکا ترامپ نسبت به چین نباید به فشار حداکثری تبدیل شود. تاکتیک‌های زورگویانه تنها سوء ظن دیرینه پکن را مبنی بر اینکه واشنگتن به دنبال مهار چین و در نهایت سرنگونی حزب کمونیست است، تقویت می‌کند. بازی راهبردی بهتر این است که به جای اولتیماتوم، پکن را با یک دوره‌ای مواجه کنیم. این دوراهی با

پذیرش یک واقعیت ساختاری آغاز می‌شود: ایالات متحده همیشه با چین کسری تجاری خواهد داشت؛ زیرا آمریکایی‌ها هیچ تمایلی به بازپس‌گیری مشاغل تولیدی سطح پایین از کارخانه‌های چینی ندارند. چالشی که ترامپ با آن مواجه است این است که چگونه این کسری را به شیوه‌ای سیاسی و یادوام ساختاردهی کند – تا زمینه بازی را در صناعی مانند هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی و انرژی پاک که آینده را شکل می‌دهند، برابر و اطمینان حاصل کند چین همچنان مازاد خود را به دارایی‌هایی از جنس دلار آمریکا تبدیل می‌کند. برای انجام این کار، ایالات متحده باید به صادرات تعداد زیادی مواد اولیه و نهاده‌های صنعتی ادامه دهد و مازادی ایجاد نماید که جایگاه آن را به‌عنوان یک تأمین‌کننده بالادستی در زنجیره‌های تولید جهانی و یک شریک حیاتی در زیست‌بوم صنعتی چین تقویت کند. درعین حال، واشنگتن باید کسری قابل‌توجه در تولید سطح پایین و کوچک را بپذیرد. اگرچه تقاضای داخلی برای این کالا‌ها همچنان قوی است، اما بازگرداندن این بخش به ایالات متحده هم از نظر سیاسی توخالی و هم از نظر اقتصادی غیرجذاب است. از سوی دیگر، دولت ترامپ باید از طریق تعرفه‌های متقابل فرمولی، تولید راهبردی و سطح بالا – در بخش‌هایی مانند نیمه‌رساناها و رباتیک صنعتی – را نزدیک به نقطه تعادل نگه دارد. با این تعرفه‌ها، واشنگتن همچنین می‌تواند با اعمال تعرفه‌های کمی بالاتر در ابتدا در بخش‌های گران‌قیمت و سپس کاهش تعرفه‌ها در ازای خرید مواد اولیه و نهاده‌های صنعتی از ایالات متحده، انگیزه‌هایی را برای پکن ایجاد کند تا شاکف تجاری خالص بین دو طرف را کاهش دهد.

چنین چهارچوبی به هر دو کشور امکان ادعای نیل به پیروزی را نیز ارائه می‌کند؛ ترامپ می‌تواند بگوید که از صنایع حیاتی آمریکا دفاع کرده است و شی هم می‌تواند استدلال کند پایه تولیدی چین را حفظ و حتی کاهش تعرفه‌های اندکی را نیز اخذ کرده است. نکته مهم این است که این امر باز تعدیل را به پکن منتقل می‌کند و به چین انعطاف‌پذیری می‌دهد تا اقتصادش را با شرایط خود متعادل کرده و درعین حال با منافع ایالات متحده همسو باشد، حتی تعرفه‌های پایدار نیز مانع گسترش تجارت جهانی چین نخواهد شد. برای اطمینان از اینکه پکن مازاد تجاری خود را به دارایی‌های ایالات متحده تبدیل می‌کند و همچنان در معرض سیستم دلار – یکی دیگر از نقاط آرام اما قدرتمند اهرم آمریکا – قرار دارد، می‌توان از یک فرصت عملی برای معکوس کردن توزیع بخشی مداوم بانک خلق چین برای دوری از اوراق خزانه‌داری ایالات متحده استفاده کرد. از سال ۲۰۱۶، این بانک سهم اوراق خزانه‌داری آمریکا را از ذخایر خود تقریباً ۴۰ درصد کاهش داده و بخشی از آن را به طلا تبدیل کرده است. هدایت حتی بخشی از این طلا‌های اخیراً خریداری شده به خزانه‌داری ایالات متحده می‌تواند حدود ۴۳ میلیارد دلار سر مایه‌گذاری جدید در ایالات متحده ایجاد کرده و از اهداف دولت ترامپ برای پایین نگه‌داشتن نرخ بهره و تثبیت بازار اوراق قرضه – که اجزای حیاتی طرح او برای تأمین مالی مجدد بدهی ملی ۳۶ تریلیون دلاری ایالات متحده هستند – پشتیبانی کند. چنین اقدامی همچنین نشان‌دهنده تعهد مداوم پکن به سیستم دلار است و گمانه‌زنی‌ها در مورد واحد پول نوظهور بریکس یا تلاش برای برانز دلارزدایی را خراب می‌دهد. بااین حال، بدون یک رژیم تعرفه‌ای هماهنگ بین متحدان و شرکای ایالات متحده، هیچ راهبردی قطعی نخواهد بود. صادرکنندگان چینی در حین مذاکرات واشنگتن و مخصوصاً با توجه به‌سرعت کند مذاکرات گذشته، دست روی دست نخواهند گذاشت، مثلاً دو سال طول کشید توافق تجاری فاز یک که ایالات متحده و چین در ژانویه ۲۰۲۰ اعضا کردند، نهایی شود، درحالی‌که میانگین طول عمر یک شرکت کوچک و متوسط چینی – که نیروی محرکه صادرات این کشور هستند – فقط ۳.۷ سال است، حتی تعرفه‌های پایدار نیز مانع گسترش تجارت جهانی چین نخواهد شد. ظرفیت بیش از حد داخلی و رقابت داخلی وحشیانه، شرکت‌های چینی را به سمت گسترش در خارج از کشور برای جستجوی حاشیه سود سوق داده است. این فشار با حمایت دولت از طریق مشوق‌های مالی، ساده‌سازی مقررات، معافیت‌های مالیاتی و دسترسی آسان‌تر به بازارهای خارجی و زنجیره‌های تأمین تقویت شده است. دامنه توافق بین واشنگتن و پکن – و امتیازاتی که ترامپ می‌تواند از شی جین‌پینگ بگیرد – احتمالاً در طول ماه گذشته محدودتر شده است. اگر ترامپ می‌خواهد به توافقی دست یابد، ممکن است مجبور شود در خوردن تلخی به مردم چین بیوبندد و اعطای برخی امتیازات سخت را بپذیرد. اما با یک راهبرد دیپلماتیک از نو تنظیم‌شده، ترامپ هنوز می‌تواند پیروزی‌های کوچکی را کسب کند – و از ضررهای بالقوه عظیمی جلوگیری نماید که اکنون ایالات متحده با آن مواجه است.